

سبک‌شناسی سوره‌مرسلات بر مبنای سطح زبانی

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۳۰)

فاطمه سرپرست^۱
محمد کاظم رحیمی نژاد^۲

چکیده

سبک‌شناسی در واقع شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است و تمرکز اصلی سبک‌شناس به کاربردهای زیبایی‌شناختی متن است تا از این رهگذر به معنی و جان‌مایه کلام متکلم و جنبه‌های زیبایی متون دست یابد. از آنجا که یک متن دارای ویژگی مهمی به نام پیوستگی معنایی است و جملات و عبارات تشکیل دهنده متن باید دارای پیوستگی و ارتباط زیرین باهم باشند، این روابط در کاربرد واژگان به طور کامل منعکس می‌شود.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس معیارهای سبک‌شناسی سطح زبانی به بررسی زیبایی‌های ادبی سوره مرسلات پرداخته است. حاصل بررسی بدین صورت است که واژگان و آوای خلق شده به واسطه آن‌ها، تکرار عبارات، صامت‌ها، مصوت‌ها و همچنین نوع حرفی که در این سوره بسامد و کاربست آن‌ها خودنمایی می‌کند در تسهیل فهم معانی آیات و جلب توجه مخاطب و خواننده تأثیر به‌سزایی دارد و آهنگ حاصل از آن‌ها در جان شنونده و مخاطب تأثیر گذار است.

واژگان کلیدی: سطح آوایی، سطح دستوری، سطح واژگانی، سوره مرسلات، سبک‌شناسی.

۱. مقدمه

از جمله شاخه‌های معرفتی که در قرن بیستم رونق شگرفی داشته و در این حوزه متخصصانی برای خود یافته، علم سبک‌شناسی است که امروزه بسیاری از مطالعات و تحقیقات حوزه زبان‌شناسی به این علم اختصاص یافته است. بدیهی است زبان تنها وسیله‌ای است که بین جهان اندیشه و دنیای درون ما و دنیای بیرون ارتباط برقرار می‌کند. این اندیشه و دنیای درون در روابط نحوی بین واژگان نمود و بروز می‌یابد و نوع خاصی از دستور زبان را

۱) دکترای رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، (نویسنده مسئول) ایمیل: fateme.sarparast@yahoo.com
۲) استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان یزد، ایمیل: rahiminezhadkazem@yahoo.com

برمی‌گزینند. در حقیقت «علت واقعی ظهور سبک‌شناسی تحولاتی است که به دنبال مطالعات زبانی صورت گرفت و مطالعات و پژوهش‌های عربی تقریباً به اتفاق آراء اتفاق نظر دارند که شکل‌گیری سبکی با این توسعه و تحول ارتباط نزدیک و تنگاتنگی دارد و مبنای مطالعات سبک‌شناسی تلقی می‌شود.» (ابراهیم، بی‌تا: ۲۱-۲۲) بنابراین میان زبان‌شناسی و سبک‌شناسی رابطه نزدیکی است. سبک‌شناسی بیانگر زیباگرایی زبان‌شناسی است؛ زیرا ویژگی‌های شیوه بیان که گفتنمان عادی از آن کمک می‌گیرد را مورد پژوهش قرار می‌دهد و منظور از تحلیل سبک‌شناسی متن این است که نحو یک ابزار و یا زیور و زینت و لباس رنگارنگ نیست، بلکه آفریننده معناست. نحو پدیده‌ای است زنده که پیوسته با مواضع دیگری که سیاق متن در برگیرنده آن است در کنش و واکنش است. تحلیل زبان‌شناسی زبان متن در روشن نمودن دیدگاه‌های نویسنده و افکار و اندیشه او سهیم است و معانی موجود در متن را برای ما مشخص می‌کند. (برکات و همکاران، ۲۰۰۴: ۱۸۴) از این رو می‌توان گفت تمرکز اصلی سبک‌شناسان به کاربردهای زیبایی‌شناسیک متن است. بنابراین اگر به قرآن به عنوان یک متن ادبی نگریند، می‌توان آیات آن را در ترازوی سبک‌شناسی سنجید و زیبایی‌های آن را برای خواننده آشکار کرد و از این طریق شیوه‌های متنوعی را که خدای سبحان به منظور اثرگذاری بر خواننده یا شنونده به کار گرفته را شناخت و به فوق بشری بودن آن صحنه گذاشت (حسنعلیان، ۱۳۸۹: ۱۳۲) این جستار در صدد بررسی سوره مبارکه مرسلات در سطح زبانی است تا از این رهگذر به صورت سبک‌شناسانه و با بهره‌گیری از دستاوردهای علم بلاغت در لایه آوایی، واژگانی و دستوری گوشه‌ای از ظرافت‌های ادبی قرآن را برای مخاطب به تصویر بکشاند.

«سبک» در اصطلاح ادبی به معنای نوعی خاص از نظم و نثر و برابر نهاد «style» اروپایی است. (فضل، ۱۹۹۸: ۹۳) سبک را در زبان عربی «الأسلوب» و سبک‌شناسی را «الأسلوبیه» می‌گویند.

در تعریف سبک‌شناسی آمده است «سبک‌شناسی عبارت است از بررسی گزینش‌ها و روش‌های استفاده از زبان‌شناسی، فرازبان و شگردهای شناخت زیبایی‌ها، صناعات و شگردهای خاصی که در ارتباط کلامی به کار می‌رود.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۹۲) به عبارتی این علم به دنبال بررسی ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناسیک است که یک متن را از متن دیگر یا یک نویسنده را از نویسنده دیگر متمایز می‌سازد و زبان شعری یا ادبی متون را به چالش می‌کشد و از این رهگذر ویژگی‌های هنری هر آفرینش ادبی را برملا می‌سازد. (حسن، ۲۰۰۱) برخی معتقدند سبک‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی است که تنوع در زبان را بررسی می‌کند و به طور عمده، نه منحصر، به کاربردهای پیچیده زبان در ادبیات معطوف است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۲۲۰) و کاربرد عمده آن در جنبه ادبی متون است؛ چرا که یک متن ادبی، سبک و ساختاری متفاوت از سبک یک متن عادی و یا علمی دارد.

این پژوهش در پی آن است تا به سوالات زیر پاسخ گوید:
گزینش و انتخاب واژگان در انتقال مفهوم و محتوای آیات چه نقشی دارد؟
عناصر به کار رفته در سطح آوایی، واژگانی و دستوری سوره مرسلات تا چه میزان در انتقال مفاهیم و انگیزش احساس مخاطب تأثیرگذار است؟
آوای ناشی از واژگان و حروف علاوه بر تأثیر موسیقایی چه مفاهیمی را برای مخاطب به دنبال دارند؟

قرآن به مثابه یک متن، موضوع علم زبان‌شناسی است؛ اما باید توجه داشت، قرآن یک متن عادی نیست؛ بنابراین دانش‌های زبانی باید چون ابزار در خدمت مطالعه و فهم قرآن قرار بگیرد. قرآن پژوهان و دانشمندان اسلامی از دیرباز به مسائل ادبی و بلاغی قرآن پرداخته‌اند و جلوه‌هایی از اعجاز آن را آشکار کرده‌اند. مطالعات و پژوهش‌های سبک‌شناسی در مورد قرآن قدمت چندانی ندارد. شایان ذکر است مقالات و پژوهش‌هایی که پیرامون سبک‌شناسی سوره‌های قرآن به چاپ رسیده به شرح ذیل است:

«تبیین ظرافت‌های بلاغی سوره قیامت و دلالت‌های تفسیری آن با رهیافت سبک‌شناختی» نوشته محمود شهبازی و اصغر شهبازی (فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۲)

«نگاهی سبک‌شناختی به سوره یس با تکیه بر دیدگاه‌های ساختارگرایی» نویسندگان علی خضری، رسول بلاوی و آمنه فروزان کمالی (فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآن، سال چهارم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵)

«بررسی سبک‌شناسانه سوره مریم» سمیه حسنعلیان (مجله قرآن‌شناخت، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹)

«سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی» نوشته پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه (دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷)

«سبک‌شناسی سوره نازعات» نوشته ابوالحسن مومن نژاد، مرتضی سازجینی و سید محمد موسوی (فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶)

«سبک‌شناسی سوره ذاریات» نویسندگان شعبان نصرتی، مرتضی سازجینی و عباس یوسفی تازه‌کندی (فصلنامه علمی - پژوهشی ذهن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۹۶)

همانطور که از عناوین مقالات یاد شده پیداست، پژوهشی در مورد سبک‌شناسی سوره

مرسلات انجام نگرفته است؛ لذا پژوهش حاضر بر آن است تا برای نخستین بار از منظر سبک‌شناسی در سطح زبانی سوره مرسلات را تحلیل نماید و از این رهگذر جنبه‌هایی از لطایف و رموز هنریو ویژگی‌های زیبایی‌شناختی قرآن و عوامل تأثیرگذار در فهم و درک دقیق معنی آیات در این سوره‌ها برای مخاطب روشن می‌سازد.

۲. ساختار کلی سوره مبارکه مرسلات

سوره مرسلات هفتاد و هفتمین سوره و از سوره‌های مکی قرآن است که مشتمل بر ۵۰ آیه است در جزء ۲۹ جای دارد. مرسلات به معنای فرستادگان است و این کلمه در آیه نخست این سوره آمده است. این سوره اعمال و نشانه‌های مجرمان و پرهیزکاران را برمی‌شمرد و در مورد سرنوشت آنان سخن می‌گوید. همچنین با تأکید فراوان بر وقوع قیامت و نشانه‌های آن و ذکر بخشش‌های خداوند به بشر در مورد اعمال و نشانه‌های مجرمان و پرهیزکاران و سرنوشت نهایی هر دو گروه سخن می‌گوید. این سوره تأکید خود بر وقوع قیامت را با تهدیدی شدید، سخت و کوبنده به منکران قیامت و انذار و هشدار به آن‌ها و بشارت به پرهیزکاران همراه می‌کند و در واقع بیش از دیگر مطالب، به تهدید منکران می‌پردازد؛ به همین دلیل آیه «وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ» (مرسلات/۱۵)؛ «وای در آن روز بر تکذیب‌گران» ده مرتبه در آن تکرار شده است.

۳. ساختار موضوعی سوره مرسلات

گفتار اول: آیات ۱-۱۵، کیفر منکران دین، وعده قطعی خدا است و روز قیامت زمان کیفر منکران دین خواهد بود.

گفتار دوم: آیات ۱۶-۲۸، نشانه‌های فرمانروایی خدا و اراده او بر کیفر منکران و هلاکت مجرمان، مراحل آفرینش انسان و آماده کردن زمین برای زندگی انسان.

گفتار سوم: آیات ۲۹-۴۵، کیفیت مجازات منکران دین، اجازه نداشتن منکران برای عذرخواهی، ناتوانی کافران برای رهایی از عذاب و محرومیت منکران از نعمت‌های بهشتی.

گفتار چهارم: آیات ۴۶-۵۰، دلایل عذاب شدن منکران دین، ارتکاب انواع گناهان و قطع ارتباط با خدا و خاضع نبودن در برابر فرمان خدا.

۴. بررسی سوره مرسلات از منظر سبک‌شناسی

اکنون بعد از آشنایی اجمالی با سوره مرسلات سطح زبانی این سوره از منظر سبک‌شناسی بررسی می‌شود و تغییرات سبکی روی داده در این سوره در سطوح زبانی که شامل سطح آوایی، سطح واژگانی و سطح دستوری است، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۴. ۱. سطح آوایی

آواشناسی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علم زبان‌شناسی به حساب می‌آید؛ چراکه پیوند و ارتباط مستقیم و غیر قابل انکاری با عملکرد زبانی دارد، از این‌رو در مطالعات زبانی جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده است تا جایی که مطالعه و بررسی آوایی اولین محور ورود به هر متن ادبی از کوچکترین واحدهای تشکیل شده آن به حساب می‌آید. به دیگر بیان این واحدها همان‌هایی هستند که منجر به تولید و آفرینش متن ادبی زیبا و دلنشین می‌شوند (بغدادی، ۲۰۱۷: ۲۸). بنابراین سطح آوایی در زبان‌شناسی گام نخست برای مطالعه سطح‌های دیگر است و اهمیت آن در این است که صوت و موسیقی به کار برده شده در یک متن انفعالات درونی و احساسات نویسنده متن را به دست می‌دهد و همین انفعال درونی است که به تنوع صوت منجر می‌شود. (رافعی، ۱۴۲۱: ۱۵۳) به دیگر سخن این سطح نحوه کاربرد واحدهای آوایی (صدا و آهنگ) را در یک موقعیت زبانی و کارکرد بیانی آواها و اصوات بررسی می‌کند و در پی پاسخ به این پرسش است که کاربرد خاص الگوهای آوایی و واجی تا چه اندازه می‌تواند گفتار را برجسته کند و به آن شکل خاصی بدهد به گونه‌ای که با شکل‌های عادی سخن متفاوت شود (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۴۳)؛ چراکه «در عنصر آوایی امکانات تعبیری و بیانی کلام نهفته است و آواها و هم‌آهنگی ذاتی آن‌ها، بازی ایقاع و نغمه‌ها، تراکم و استمرار، تکرار و فاصله، همگی قدرت بیانی و تعبیری ویژه‌ای دارند که این قدرت مادامی که دلالت و بار عاطفی آواها در واژگانی کارکرد یابد که در تضاد و یا بی‌توجهی به توانایی تعبیری آن‌ها هستند به صورت بالقوه و پنهان است؛ اما هنگامی که الفاظ در تناسب با قدرت تعبیری آواها باشند، این توانایی بالقوه از خاستگاه خود خروج کرده و به فعلیت و ظهور می‌رسد.» (فضل، ۱۹۹۸: ۲۷) بنابراین چنین برداشتی می‌شود که سبک‌شناسی آوایی به تحلیل و ارزیابی واحدهای آوایی در یک بافت زبانی می‌پردازد و از رهگذر کارکرد هر یک از عناصر آوایی زبان در موقعیت‌های مختلف زبانی به تأثیرات زیباشناسانه آواها و ایجاد نظام‌های صوتی در ساخت آرایه‌های لفظی و بدیعی اشاره دارد. از این‌رو توجه به نظم آهنگ آیات، موسیقی پایان آیه‌ای، توجه به معانی حروف، توجه به سجع و توازن آوایی از جمله ویژگی‌های سبکی است که در سطح آوایی مدنظر قرار می‌گیرد. این ویژگی‌ها در سوره‌مرسلات با توجه به مکی بودن آن، کوتاهی و آهنگین بودن آیات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از این‌رو بسامد عوامل مؤثر در آفرینش فضای موسیقایی و تقویت عنصر آوایی سوره‌مرسلات بررسی می‌شود تا از این‌رهگذر ویژگی‌های سطح آوایی این سوره به وضوح برای مخاطب روشن گردد.

۴. ۱. ۱. ریتم

ریتم در جریان یافتن آیات به صورت منظم، آهنگین و هماهنگ بر نظام ویژه قرآن تجلی می‌یابد که به دیگر سخن می‌توان آن را موسیقی نامید. در واقع این موسیقی است که

مقاطع کلام را مشخص کرده و انواع وقف و سکون را منظم می‌کند و در نتیجه بین الفاظ و محتوای متناسب و هماهنگی به وجود می‌آورد، پس «هر واژه‌ای در متن ادبی با موسیقی در همان متن ارتباط عمیقی دارد.» (بحراوی، ۱۹۹۳: ۲۴۵) لازم به ذکر است موسیقی از نظر منتقدان ادبی اساسی‌ترین عنصر متن ادبی است که موجب ماندگاری متن در ذهن خواننده می‌شود و به عنوان بهترین ابزار برای الهام‌بخشی است که کلام عادی از بیان آن عاجز است (عشری زاید، ۲۰۰۶: ۱۵۶)؛ از این رو صوت و آهنگ برخاسته از همنشینی حروف و واژگان و هم‌آوایی کلمات نظمی آهنگین تولید می‌کند که موسیقی کلام نام دارد. به عبارت دیگر موسیقی «هماهنگی میان واژه‌ها، صامت‌ها، مصوت‌ها و هر گونه آرایه زیباشناختی و بدیعی است که به سبب آن معنا در بافت متن ادبی شکل می‌گیرد و نظام می‌یابد.» (فیاض منش، ۱۳۸۴: ۱۶۵) با بررسی و مطالعه سبک‌شناسانه سوره مرسلات برداشت می‌شود که ریتم به کار رفته در سوره مرسلات در بیشتر آیات از نوع ریتم کوبنده است که متناسب و همسو با مفهوم و محتوای سوره آمده است. ﴿وَالْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتُ عَصْفًا وَالنَّاشِرَاتُ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتُ فَرَقًا فَالْمُلْقِيَاتُ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾ (مرسلات / ۱-۶)

همانطور که ملاحظه می‌شود هماهنگی بسیار دقیقی بین حروف و آهنگ برخاسته از صفات حروف به چشم می‌خورد و برغم آنکه ریتم آیات آغازین سوره را به جهت سوگندی که خداوند می‌خورد کوبنده کرده است، از طرفی موسیقی خلق شده به واسطه همین ریتم و صفات حروف به کار رفته در آیات، بسیار دلنشین و گوشنواز است. بنابراین هرگاه درباره ریتم موسیقایی سخن می‌رود مقصود هماهنگی حروف و نغمه آن‌ها است که در صفات حروف نقش مهمی دارند. موسیقی برخاسته از همنشینی حروف در آیات قرآن، هماهنگی و نظم ساخته شده بین آن‌ها، جذابیت و زیبایی دارد که بر کسی پوشیده نیست. از این رو می‌توان گفت زیبایی و دلنشینی قرآن در نظام صوتی و ایقاعی آن نهفته است که به واسطه ریتم ایجاد شده از فواصل آیات و موسیقی برخاسته از واژگان برای شنونده آشکار می‌شود که موجب خلق آهنگ و فضای موسیقایی خاصی می‌شود و جایگاه ریتمی ویژه‌ای به آن می‌بخشد. (بغدادی، ۲۰۱۷: ۶۶)

آیه ﴿وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ (مرسلات/ ۱۵) در این سوره ده مرتبه تکرار شده، علاوه بر آنکه تکرار خود در سبک‌شناسی از اهمیت بالایی برخوردار است و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده که در جای خود بررسی و تحلیل خواهد شد، باید اذعان کرد که تقریباً تمامی حروف این آیه از صفت شدت برخوردار هستند. به عبارتی جزء حروف مهجوره هستند که صفت شدت و قدرت را به همراه دارند و در نتیجه هنگام تلفظ کوبنده و محکم بیان می‌شوند. بنابراین چنین برداشت می‌شود تکرار چندین مرتبه این آیه نشان از آن دارد که حروف مهجوره توأم با ویژگی شدت و قدرت، قهر خداوند بر تکذیب‌کنندگان را با شدت، قدرت و تأکید هر چه بیشتر برای مخاطب به تصویر می‌کشد و آوایی سخت و تند ایجاد

می‌کند و در نتیجه تصاویری که از معنای آیات به ذهن می‌رسد، با صدا همگون می‌شود و کیفیت درک معنی را در ذهن مخاطب افزایش می‌دهد.

۴. ۱. ۲. بسامد کاربست ضمیر جمع

در آیات ۱۶-۲۸ سوره مرسلات خداوند متعال نشانه‌های فرمانروایی و اراده خویش بر کيفر منکران را با ضمیر جمع و کاربست ضمیر متکلم مع الغیر آورده است. مانند ﴿الْم نُهَلِكِ الْاُولَيْنِ ثُمَّ نَتَّبِعُهُمُ الْاٰخَرِيْنَ كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ﴾ (مرسلات/ ۱۶-۱۸) ﴿الْم نَخْلُقُكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِيْنٍ فَجَعَلْنَاهُ فِيْ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ﴾ (مرسلات/ ۲۰-۲۱) ﴿فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُوْنَ﴾ (مرسلات/ ۲۳) ﴿الْم نَجْعَلِ الْاَرْضَ كَفَاتًا﴾ (مرسلات/ ۲۵) ﴿وَجَعَلْنَا فِيْهَا رَاسِيَ شَامَخَاتٍ وَّ اَسْقِيْنَاكُمْ مَّاءً فُرَاتًا﴾ (مرسلات/ ۲۷) باید توجه داشت که تأکید و اقرار حاصل از کاربست صوت ضمیر جمع در یک متن بیشتر از ضمیر مفرد است؛ زیرا اعتراف و اقرار مخاطب را هر چه بیشتر و سریع‌تر به دنبال خواهد داشت و علاوه بر آن صوت حاصل از ضمیر «نا» آهنگین بودن و دلنشینی آیات را چند برابر کرده و بر مخاطب تأثیری ویژه و غیرقابل انکاری می‌گذارد که این ویژگی در ضمیر مفرد و متکلم وحده «ت» مشاهده نمی‌شود.

۴. ۱. ۳. تکرار

فرایند تکرار در واج، هجا، واژه، که از عناصر زبانی هستند، رخ می‌دهد و باعث آفرینش موسیقی و انسجام واژگانی می‌شود. به بیانی دیگر، تکرار به‌ویژه تکرار کلامی موجب ایجاد توازن و موسیقی در زبان شعر و برجسته نمودن آن می‌گردد. (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۵۳) از این رو می‌توان آرایه تکرار را به عنوان هنر سخن‌آرایی و تأثیر بلاغی موسیقایی به شمار آورد؛ چرا که تکرار واژه جابه‌جایی آن در ساختار متن از عوامل مهمی است که به زبان ادبی غرابت می‌بخشد و بسامد آن در واج‌ها، هجاها، واژگان و جملات باعث زیبایی‌شناختی و تشخیص بخشیدن و برجسته‌سازی زبان ادبی می‌شود. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۹) در حقیقت «تکرار به کارگیری متعدد برخی عناصر جمله و متن است که سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را محکم و جانب معنایی و محتوایی آن را تقویت می‌کند.» (حلو، ۲۰۱۲: ۲۰) به دیگر سخن باعث ایجاد ارتباط بین آیات و تسهیل در روند درک و فهم معنی می‌شود و علاوه بر این عنصر تکرار کارکرد زبان‌شناسی دارد که همان انسجام واژگانی است. انسجام واژگانی اثر منسجم‌کننده در متن دارد و برای اهداف متنی به کار می‌رود. (رک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۲، ۱۰۷-۱۱۳) که این ویژگی در سوره مرسلات به وضوح به چشم می‌خورد. اکنون نمونه‌هایی از تکرار در این سوره بررسی و تحلیل می‌شود و تأثیر آن از نظر سبک‌شناسی در سطح آوایی برای مخاطب به تصویر کشیده می‌شود.

۴. ۱. ۳. ۱. آوای ناشی از تکرار واژگان

تکرار یک واژه در دو عبارت باعث پیوند و ارتباط آن دو عبارت و در نتیجه انسجام بخشی در پیکره متن می شود. در هر اثری گاهی نیاز است که نویسنده برخی واژگان و عبارات را تکرار کند تا از این رهگذر در اجزای متن انسجام، پیوستگی و ارتباط معنایی ایجاد نماید. همان طور که مشاهده می شود در آیات ابتدایی سوره مرسلات تکرار واژگان به صورت مصدری به چشم می خورد که علاوه بر خلق فضای موسیقی درونی در آفرینش انسجام واژگانی بین آیات و واژگان کارساز بوده است و کلام خداوند را برای مخاطب همراه با تأکید می رساند. ﴿فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتِ فَرِقًا﴾ (مرسلات/ ۲-۴) واژه «عاصفات» جمع «عاصفه» و «ناشرات» جمع «ناشره» و «فارقات» جمع است برای کلمه «فارقة». این سه کلمه در واقع اسم فاعل هستند که اسم مصدر هر یک از آن ها با همان معنی دوباره تکرار شده است و در واقع چنین این واژگان مترادف فضای موسیقایی زیبایی را تولید کرده است که بر توجه مخاطب می افزاید.

علاوه بر آن در این سوره آیه ﴿وَيَلُّ يَوْمئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ (مرسلات/ ۱۵) ده مرتبه تکرار شده که هشدار است برای تکذیب کنندگان. کلمه «وَيَلُّ» در مقام هشدار و تهدید به عذاب و هلاکت به کار می رود. همچنین در این آیه حروف جهر که صفت شدت و قدرت را دارند، خودنمایی می کنند؛ بنابراین می توان برداشت کرد که خداوند با این اسلوب به صراحت ریشه جرم و فساد در جامعه را تکذیب دین و ارزش های دینی معرفی کرده است.

یکی از اسامی قیامت «یوم الفصل» یعنی روز جدایی است. در قرآن می خوانیم: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (حج/ ۱۷) خداوند متعال در روز قیامت بین آن ها (و آنچه بدان دلبسته اند) جدایی می افکند. در این سوره نیز این عبارت چندین بار تکرار شده که به نظر می رسد تکرار «یوم الفصل» به منزله تأکید مفهوم آن یعنی جدایی از همه وابستگی ها و دلبستگی هایی است که انسان می تواند در این دنیا داشته باشد. در این واژه نیز غلبه با حروفی است که از صفت شدت و حدت برخوردارند و در نتیجه چنین برداشت می شود که کاربرد این نام قیامت و تکرار آن معنی حتمیت و قطعیت آن را برای مخاطب مورد تأکید قرار می دهد. به ویژه زمانی که ویژگی های آن روز را دقیق و حساب شده بیان می کند و به دنبال آن وضعیت تکذیب کنندگان را در آن روز بدین شکل شرح می دهد. ﴿لَأَيُّ يَوْمٍ أَجَلَتْ لِيَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفُضْلِ وَيَلُّ يَوْمئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ (مرسلات/ ۱۲-۱۵) ﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْظُنُّونَ﴾ (مرسلات/ ۳۵) ﴿هَذَا يَوْمُ الْفُضْلِ جَمْعًاكُمْ وَ الْأُولِينَ﴾ (مرسلات/ ۳۸) در آیات ﴿لَأَيُّ يَوْمٍ أَجَلَتْ لِيَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَا أَدْرَاكَ يَوْمُ الْفُضْلِ﴾ (مرسلات/ ۱۲-۱۴) با سه تعبیر از عظمت قیامت یاد شده و تکرار کلمه «یوم» نشانه عظمت آن روز است. از این رو می توان برداشت کرد هر چند واژگان در لفظ به ظاهر تکرار نشده اند؛ ولی همنشینی جملات این آیات در بردارنده یک مقصود است و به عبارتی همه این آیات یک مفهوم را تأکید و تثبیت می کنند و آن نشان دادن و به تصویر کشیدن عظمت روز قیامت است.

۴. ۱. ۳. ۲. واج آرای

واج آرای عبارت است از تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۷۹) به دیگر بیان آرایش موسیقی سخن از راه تکرار بجا و هنرمندانه یک یا چند واج، واج آرای نام دارد (راستگو، ۱۳۸۲: ۱۲) که می توان از آن به عنوان یکی از نشانه های انسجام و ازگانی نام برد. روشن است وقتی اصواتی با بسامد بالا در یک متن تکرار شود علاوه بر خلق فضای موسیقایی، در بردارنده معنا و مفهومی مهم است.

در سطح واجی به طور خاص توجه مخاطب به سمت ریتمیک معطوف می شود؛ زیرا راز شکوه و جلال، عظمت و زیبایی قرآن در چگونگی ساختار آن نهفته است و ریتم موسیقایی قرآن یکی از پایه های زیبایی متن است؛ بنابراین «موسیقی، دامنه پهناوری دارد گویا نخستین عاملی که مایه رستخیز کلمه ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی واداشته است همین کاربرد موسیقی در نظام واژه ها بوده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۸) در این بخش از پژوهش سوره مرسلات از منظر واج آرای بررسی می شود تا از این رهگذر حروفی که بیشترین بسامد را در این سوره دارند به همراه صفات و ویژگی های آن برای مخاطب روشن شود.

در دو آیه کوتاه ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (مرسلات/ ۴۳-۴۴) حرف «نون» ۸ بار تکرار شده است. تکرار این حرف با تلفظ روان، آسان و ایجاد موسیقی تصویر وضعیت آسایش و راحتی بهشتیان را در ذهن مخاطب یا شنونده ترسیم می کند و در پی آن درک و مفهوم آن را محسوس تر می نماید. علاوه بر این «آوای حرف "نون" القاگر لطافت، آرامش و زیبایی است.» (عباس، ۱۹۹۸: ۲۶۰) همچنین خداوند عاقبت تکذیب کنندگان دین را این گونه به تصویر می کشد: ﴿وَيَلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِبِينَ أَلَمْ يَكُنْ لَهُمُ الْآؤَلِينَ﴾ (مرسلات/ ۱۵-۱۶) تکذیب کنندگان دین در معرض هلاکت و نابودی هستند و قهر خداوند نسبت به آنان، یک سنت الهی است. بسامد کاربست حروف مهجوره و طرح تاریخ گذشتگان، وجدان های خفته را بیدار می کند. از این برداشت می شود که بیشتر حروف به کار برده شده مهجوره هستند که صراحت هلاکت و نابودی تکذیب کنندگان را به همراه دارد و با قهر خداوند نسبت به آنها همراه خواهد بود.

در آیه ﴿لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ﴾ (مرسلات/ ۲۰) وجود حرف مهجوره «میم» در این آیه با بسامد بالا خودنمایی می کند و با توجه به اینکه در بردارنده صفت غنه است، مفهوم اقرار و اقناع مخاطب را به دنبال دارد. اینکه آفرینش انسان از آبی بی مقدار، هم نشانه عظمت و قدرت الهی است و هم دلیلی بر معاد و آفرینش دوباره انسان و علاوه بر این با یادآوری ضعف ها غرور و تکبر انسان را از بین می برد.

همچنین در آیه ﴿إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ﴾ (مرسلات/ ۳۲) واج آرای حرف «راء» به چشم

می‌خورد که ۴ بار تکرار شده است. می‌توان از ویژگی و صفات حرف «راء» استنباط کرد که بسامد این حرف الفاکر این مهم ست که خداوند قدرتی دارد که منکران را به سختی عذاب خواهد نمود. سختی و شدت عذاب تکذیب‌کنندگان با غلبه حروف مهجوره در این آیه به وضوح پیداست؛ زیرا حروف با بسامدهای گوناگون ضمن اثر موسیقایی خود با معانی در ارتباط هستند و نغمه حروف موسیقی سخن را افزون و گوش‌نواز ساخته است. لازم به ذکر است که حرف «راء» علاوه بر آنکه مفهوم تکرار دارد، «صدای آن قدرتی دارد که قادر است برای رسیدن به موقعیتی دیگر یا دستیابی از موقعیتی به موقعیتی دیگر، هرگونه ایستایی و سکون را تحمل کند» (سعران، بی تا: ۱۵۴)

۴. ۳. ۱. ۳. طباق یا تقابل

همان‌طور که واژگان هم‌معنا و مترادف بار معنایی یکسانی را به دنبال دارند و به نوعی بسامد کاربرد هدفمند نویسنده از واژگان مترادف و قرار گرفتن آن‌ها در درون یک جمله و بین دو جمله و عبارت، متنی منسجم می‌آفریند؛ همچنین واحدهای واژگانی که رابطه و بار معنایی متضادی با یکدیگر دارند نیز می‌توانند در بسیاری موارد متن را منسجم نمایند و ویژگی متن‌بودگی را به آن ببخشند. گفتنی است طباق عنصر سبک‌ساز در هر متن ادبی به شمار می‌رود؛ چرا که به عنوان ابزاری است برای رسیدن به درون‌مایه متن که در تثبیت معانی، فضاسازی و تقویت موسیقی درونی نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. بنابراین نقش آرایه‌های ادبی تنها در خلق تناسب و زیبایی لفظی نیست، بلکه در تأکید، ملموس ساختن و تجسم بخشیدن عواطف و مفاهیم به ذهن کارکرد مهمی دارد (وحیدیان کامیار، ۱۳۹۰: ۶۲-۶۳) در این سوره تقابل میان واژگان در فهم و درک درون‌مایه آیات، تثبیت مفهوم و گیرایی و تقرب مقصود به ذهن، نقش به‌سزایی دارد. جایی که خداوند وضعیت اهل بهشت و اهل دوزخ را این‌گونه بیان می‌کند:

﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾
 (مرسلات/ ۴۱-۴۳) ﴿وَيَلُوكُ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ وَيَلُوكُ يَوْمَئِذٍ
 لِّلْمُكَذِّبِينَ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْجِعُوا لَا يَرْجِعُونَ﴾ (مرسلات/ ۴۵-۴۸)

بنابراین گاهی موضوع اقتضا می‌کند که نویسنده معانی و واژگانی متقابل و متضاد بیاورد و متن انسجام خود را در گرو همین تقابل‌ها می‌یابد و عدول از این طریق در چنین موقعیتی باعث عدم پیوستگی و انسجام متن می‌شود. لازم به ذکر است این شیوه تقابل در این سوره به شکل مقایسه‌ای که یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن است در پاداش متقین و کیفر مجرمین به وضوح پیداست، جایی که خداوند می‌فرماید: ﴿فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ﴾ (مرسلات/ ۴۱) ﴿ظِلُّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ لَا ظَلِيلٍ﴾ (مرسلات/ ۳۰) ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا﴾ (مرسلات/ ۴۳) ﴿كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ﴾ (مرسلات/ ۴۶) ﴿إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (مرسلات/ ۴۴)

﴿كَذَلِكَ نَفْعُ الْبِأْمُرِ مِ﴾ (مرسلات/ ۱۸) ﴿هِنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (مرسلات/ ۴۳) ﴿انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ﴾ (مرسلات/ ۲۹)

این عبارات متقابل و متضاد در عین تقابل و همگون نبودن توانسته‌اند مفهوم واحد و منسجمی را به وجود آورند و آن تحقق وعده خداوند است که نشان از قدرت و اراده خداوند بر وعده‌هایی است که به بندگان خود داده است. می‌توان نتیجه گرفت «زبان الزاماً محتاج واژه‌های هم معنی نیست و تضاد معنایی بین واژگان و یا عبارات یکی از ویژگی‌های نظامند و بسیار طبیعی زبان است» (پالمر، ۱۳۸۱: ۱۳۷) که در واقع به عنوان تقویت‌کننده رابطه معنایی و عنصر سبک‌ساز در متن عمل می‌کند.

۴. ۱. ۴. سجع

سجع آن است که کلمات آخر قرینه‌ها در وزن یا حرف روی یا هر دو موافق باشند و به سجع‌های قرآن کریم «فواصل» می‌گویند. (محمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۲) فاصله زمان استراحت (مکث) در سخن گفتن است و به زیبا جلوه دادن کلام می‌افزاید. (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱، ۵۴) سجع نقش به سزایی در آهنگین شدن نثر ایفا می‌کند و در انتقال معنا به خواننده، بسیار مؤثر واقع می‌شود. بیشتر آیات سوره مرسلات مسجع بوده و ضرب آهنگ خاصی به سوره بخشیده است. گفتنی است در آیات اولیه سوره آنچه بیشتر مخاطب را به خود جلب می‌کند سجع متوازی است. به دیگر سخن فاصله‌ها (کلمات پایانی آیات) از نظر وزن و حرف آخر (روی) با هم مشترک هستند و این ویژگی در فضاسازی و تقویت موسیقی سوره نقش مهمی ایفا می‌کند که سبب توازن آوایی و انسجام موسیقایی متن آیات شده است. به عنوان مثال آیات ﴿وَالْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتُ عَصْفًا وَالنَّاشِرَاتُ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتُ فَرَقًا فَالْمُلْقِيَاتُ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نَذْرًا﴾ (مرسلات/ ۱-۶) ﴿أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ﴾ (مرسلات/ ۲۰-۲۱) ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ وَإِذَا الرُّسُلُ أَقْنَتُ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ﴾ (مرسلات/ ۸-۱۲) ﴿أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءَ وَآمَوَاتًا وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا﴾ (مرسلات/ ۲۵-۲۷) ﴿انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ انْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّرٍ كَالْقَصْرِ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ﴾ (مرسلات/ ۲۹-۳۳) و «عُرْفًا، عَصْفًا، نَشْرًا، فَرَقًا، ذِكْرًا»، «مَهِينٍ، مَكِينٍ»، «طُمِسَتْ، فُرِجَتْ، نُسِفَتْ، أُجِّلَتْ»، «الْأُولَيْنِ، الْآخِرِينَ، الْمُجْرِمِينَ» و «كِفَاتًا، آمَوَاتًا، فُرَاتًا» و «شَهَبٍ، لَهَبٍ» در وزن و روی مشترک هستند و آمدن کلمات هموزن و مشترک در حرف روی، موسیقی زیبایی به متن بخشیده و توازن آوایی گوشنوازی را ایجاد کرده است.

۵. سطح واژگانی

واژه مهمترین ابزار متن ادبی است و گرچه واژه‌ها از پیش ساخته و مهیا هستند، گزینش

آن‌ها بر عهده گوینده یا نویسنده بوده و یکی از عواملی که متن ادبی را به منزله هنر دلنشین عرضه می‌کند، به گزینش واژه‌ها وابسته است. (عمران پور، ۱۳۷۷، ۱۶۷) بررسی کوچکترین واحد معنادار زبان، ساختمان واژه و شیوه ساخت واژه‌ها، ائتلاف معانی و واژه‌ها با هم و تحلیل واژگانی در این حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۸) نوع واژه‌هایی که در یک متن با مؤلف گزینش می‌شوند، با بسامدی که در متن به کار رفته‌اند، نشان‌دهنده نوع سبک، اندیشه نویسنده و ویژگیهای آن است. (همان: ۲۵۰) در این سطح، توجه به معنای لغوی و کاربردی واژگان مهم و سبک‌ساز شده است. نحوه گزینش واژگان، همنشینی و جانشینی کلمات، توجه به توازن واژگانی و هم‌متن واژگانی در واژه بحث شده و همچنین میزان بسامد هر واژه در سوره و در کل قرآن از دیگر نمونه‌هایی است که در این سطح مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارتی چگونگی چینش کلمات، ساختمان واژگان، بسامد و گسترده‌گی آن‌ها، اثرگذاری آن در متن ادبی، نوع گزینش واژه با توجه به محور جانشینی بیان می‌شود. (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۴۵)

بر این مبنا اولین نکته‌ای که از چینش و همنشینی واژگان «ناشرات، فارقات و ملقیات» در آیات ﴿وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا﴾ ﴿فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا﴾ ﴿فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا﴾ (مرسلات ۳-۵) به ذهن خطور می‌کند، این مهم است که در صفات سه گانه این سه واژه یک سیر طبیعی وجود دارد و نوعی ترتیب زمانی و منطقی را در ذهن مخاطب یا شنونده به تصویر می‌کشد. یعنی ابتدا باید فرشتگانی معارف را گسترش دهند: «النَّاشِرَاتِ»، سپس در سایه آن، حق و باطل و حلال و حرام از هم جدا شوند: «الفارقات» و به دنبال آن، ذکر القا شود. «فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا» (طباطبایی: ۱۳۸۲)

۵. ۱. بسامد کاربرد فعل مجهول به جای فعل معلوم

کاربرد فعل مجهول به جای فعل معلوم یکی از جنبه‌های سبک‌شناسی سطح زبانی است که در این سوره این سبک زبانی به وفور مشاهده می‌شود. به عنوان مثال در آیات ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ﴾ و ﴿إِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ﴾ و ﴿إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ﴾ و ﴿إِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ﴾ و ﴿إِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتِ﴾ لَأَيُّ يَوْمٍ أَجَلْتِ لِيَوْمِ الْفَصْلِ و ما ادراك ما يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿ (مرسلات ۷-۱۷) ﴿وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَرِزُونَ﴾ (مرسلات ۳۶) أفعال به شکل مجهول آمده و فاعل عبارات حذف شده و مفعول جایگزین آن شده است. چنین برداشت می‌شود که به دلیل اهمیت زیاد موضوع که کانون بحث سوره در مورد وقوع قیامت و وعده آن است، فاعل این جملات ذکر نشده تا اهمیت موضوع برای مخاطب نمایان‌تر باشد.

۵. ۲. کاربرد اسم فاعل

یکی از اقسام ارائه سخن برخلاف مقتضای حال تعبیر از آینده با لفظ اسم فاعل است.

در آیه ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ﴾ (مرسلات/۷) به جای فعل «یقع» اسم فاعل «واقع» به کار رفته است. (هاشمی، ۱۳۸۹: ۱، ۴۳۸) دلیل این نوع کاربرد را می‌توان تأکید بر ثبوت و حتمی بودن وقوع قیامت به شمار آورد.

۳.۵. بسامد و فراوانی کاربرد قسم

آنچه در این بخش لازم است در مورد سوره مرسلات به آن پرداخته شود سوگند یاد کردن خداوند در آیات آغازین این سوره است خداوند در ۵ آیه آغازین سوره پی‌درپی قسم یاد کرده ﴿وَ الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا وَ النَّاشِرَاتِ نَشْرًا فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا﴾ (مرسلات/۱-۵) می‌توان چنین دریافت کرد که درحقیقت خداوند با این اسلوب از همان ابتدا موضوعی را که می‌خواهد درباره آن سخن گوید، مورد تأکید قرار داده است تا مخاطب را نسبت به اهمیت موضوع آگاه گرداند و تبعات اعمال، رفتار و انکار منکران را به خودشان بازگرداند. بنابراین از این رهگذر با سوگندهایی که به دنبال هم و زنجیروار آورده، جایی برای انکار و یا نپذیرفتن از جانب مخاطب باقی نمی‌ماند.

۴.۵. بسامد و فراوانی کاربرد «إذا»

خداوند بعد از تأکید موضوع وقوع صحنه قیامت با کاربرد قسم‌های پی‌درپی عظمت روز قیامت را با استفاده از حرف «إذا» برای مخاطب به خوبی به تصویر کشیده است. گفتنی است در سوره‌های مکی آیاتی که با «إذا» و «یوم» آغاز می‌شود معمولاً به صحنه‌ها و اتفاقات مربوط به قیامت اشاره دارند که ساختاری تقریباً آهنگین و غنی دارند. ﴿فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ وَ إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ وَ إِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ وَ إِذَا الرُّسُلُ أَقْتَتْ لَأَيُّ يَوْمٍ أَجَلَتْ لِيَوْمِ الْفُضْلِ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفُضْلِ﴾ (مرسلات/۸-۱۴) ﴿هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ﴾ (مرسلات/۳۵) ﴿هَذَا يَوْمٌ الْفُضْلِ جَمْعُنَاكُمْ وَ الْأَوَّلِينَ﴾ (مرسلات/۳۸) ﴿وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ﴾ (مرسلات/۴۸) بنابراین می‌توان گفت بسامد کاربرد این حرف به صورت پی‌درپی در آیات تعیین‌کننده سبک دستوری ویژه‌ای است که معنی و مفهومی متناسب با موضوع سوره را در بردارد و از این‌رو گزینش «إذا» سبب انسجام، توازن و سبک واژگانی خاصی در سوره شده است.

۵.۵. هم‌آیی

هم‌آیی یکی از عناصر اساسی سبک‌ساز متن به شمار می‌آید. در هم‌آیی، واژگان متن که به هر دلیلی دارای نمود مشترک در بافت زبانی هستند با پراکندگی خود در سطح متن باعث انسجام بخشی به پیکره متن می‌شوند. هم‌آیی در واقع به «ارتباط عنصری با عنصر دیگر از طریق نمود مشترک و مکرری که در بافت‌های مشابه دارند، اطلاق می‌شوند.» (محمد، ۲۰۰۷: ۱۰۹) به دیگر سخن ارتباط همیشگی و مداومی که یک کلمه در یک زبان با کلمات معینی دارد هم‌آیی گفته می‌شود، به گونه‌ای که با ذکر یک کلمه، کلمه خاص دیگر نیز انتظار

ذکر شدن دارد. (فرج، ۲۰۰۷: ۱۱۱) در این قسمت نمونه‌هایی از هم‌آبی در سوره مرسلات ذکر می‌شود تا مخاطب یکی دیگر از علل انسجام متن، پیوستگی معنایی در آیات و در کل سوره و ویژگی سبکی این سوره را دریابد.

وضعیّت متقین در بهشت: ظلال، عُیُون، فَوَاكِهَ، مِمَّا يَشْتَهُونَ، كُلُوا، اشْرَبُوا، هَنِيئًا، نَجْزِي.
وضعیّت تکذیب‌کنندگان در دوزخ: وِیْلٌ، لَا ظَلِيلٍ، اللَّهَبِ، شَرَرٍ، لَا يَنْطِقُونَ، لَا يُؤْذَنُ، تَمَتَّعُوا قَلِيلًا،

وقوع قیامت: تُوعَدُونَ، لَوَاقِعِ، النُّجُومِ، السَّمَاءِ، الْجِبَالِ، طَمِسَتْ، فَرَجَتْ، نَسَفَتْ.

آفرینش انسان: نخلق، ماء مهین، قرار مکین، قدر معلوم، نِعَم القادرون.

هنگامی که خداوند متعال وضعیّت متقین و تکذیب‌کنندگان را برای مخاطب به تصویر می‌کشد واژگانی را برای هر یک از این گروه به کار برده است که بین آن‌ها پیوستگی و ارتباط معنایی به چشم می‌خورد و همچنین ویژگی قیامت و آفرینش انسان را نیز با کلماتی بیان کرده است که با شنیدن یک واژه کلمه بعدی به ذهن مخاطب خطور می‌کند و با این روش ارتباط معنایی بین واژگان و عبارات را به بهترین شکل ایجاد نموده است. از این رو می‌توان بنابر تعریف ساعدی هم‌آبی را این‌گونه تعریف کرد: آمدن عناصر واژگانی معینی که به یک حوزه معنایی تعلق دارند در چارچوب موضوع یک متن که منجر به پیدایش ارتباط بین جمله‌های آن می‌شود. (سعدی، ۱۳۷۱: ۱۱۴) به گونه‌ای که با کاربرد واژگانی که ارتباط و پیوستگی مداوم با هم دارند؛ خاصیت انسجام بخشی و سبک‌سازی را به متن بخشیده و با این شیوه تأثیرگذاری و ماندگاری متن را نزد مخاطب بسیار بالا برده است.

۶. سطح دستوری

صورت‌های زبانی خارج از چارچوب و قواعد دستوری زبان، در حکم واحدهای زبانی منفردی هستند که بدون ترکیب و هم‌نشینی در ساختی بزرگتر به نام جمله، قابلیت انتقال مفاهیم را ندارند؛ از این رو ساختار دستوری جملات در پیدایی سبک فردی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. درصد واژگان به کار رفته در یک متن، بلندی و کوتاهی عبارات پیوند جمله‌ها و نحوه ارتباطشان با یکدیگر و ... گونه‌های مختلفی از سبک را به وجود می‌آورد. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده به همراه بسامد بالای آن‌ها در یک اثر ادبی سبک یک نویسنده یا گوینده را شکل می‌دهد. به اعتقاد جرجانی فقط الفاظ معنی را نمی‌سازند؛ بلکه نحوه نظم واژه‌ها و شکل تألیف کلام در این مهم نقش دارد. (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۸۰) از این رو می‌توان برداشت کرد در سطح دستوری تمرکز سبک‌شناس بیشتر روی جمله‌ها است. دقت در کوتاه و بلند بودن جملات، اینکه بیشتر از چه نوع فعلی استفاده شده است؟ کاربرد کدام زمان پر بسامدتر است؟ و یا اینکه نگاه نویسنده بیشتر به جملات اسمیه بوده یا جملات فعلیه؟ اگر بسامد استفاده از فعل‌ها زیاد است، افعال در وجه اخباری آمده است یا انشایی؟

از دیگر عناصری که در لایه دستوری سبک بررسی می‌گردد، ساختمان افعال در متون ادبی است که در اصطلاح به آن صدای دستوری گفته می‌شود. «صدای دستوری عبارت است از رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرآیند فعلی (فاعل، مفعول، و...)» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۹۵) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت صرف و نحو دو ابزار بسیار مهم در تحلیل سبک‌های متن محسوب می‌شود و تغییرات نحوی، دگرگونی‌های سبکی را به وجود می‌آورد بنابراین دو ترکیب متمایز از نظر ساختاری معناهای متفاوتی را القاء می‌کند. (عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۱۰۵)

۱.۶. بسامد و فراوانی جملات کوتاه

ویژگی دیگری که در این سطح می‌توان عنوان کرد یکسانی و هماهنگی بیشتر آیات این سوره در ساختار نحوی است که این ویژگی پیوستگی معنایی و انسجام متنی را نیز به دنبال دارد. روشن است که بعد از واژه جمله نخستین صورت معنادار در هر متنی به شمار می‌رود. «جمله بلندترین واحد سازمانی در نحو است و اگر هر ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، سبک و اندیشه گوینده را تحلیل کرد.» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵) از این رو مخاطب با دقت و بررسی سوره مسلمات در می‌یابد که تمامی آیات این سوره از جملات بسیار کوتاه تشکیل شده که به نوعی می‌توان گفت عباراتی که در بردارنده جملاتی کوتاه هستند بیانگر اندیشه‌ای عاطفی و پرشتاب است. می‌توان از این ویژگی و همچنین تحلیل و بررسی مفهوم و درونمایه آیات چنین برداشت کرد که خداوند متعال با کاربست، فراوانی و بسامد بالای جملات و عبارات کوتاه در واقع باورها و واقعیت‌هایی را برای شنونده بازگو می‌کند که موجب جلب توجه مخاطب، تأثیرپذیری وی، رسوخ و ماندگاری مفهوم و معانی آیات در دل و جان مخاطب می‌شود.

۲.۶. التفات از غایب به مخاطب

ارائه سخن برخلاف معیار و هنجارهای زبانی مورد پذیرش ساختار صرفی و نحوی زبان به شکل هدفمند و آگاهانه متکلم را وادار می‌سازد جویای علت و چگونگی این تغییر از زبان روزمره و عادی به زبان غیرمعمول باشد و از این رهگذر برجستگی و ویژگی کلام گوینده را به خوبی دریافت نماید. به دیگر سخن «خلاف آمدهای ناشی از التفات اگرچه در ظاهر، ساختار و پیکره کلام را در هم می‌شکند، ولی در حقیقت سبب ایجاد تنش و انگیزش بیشتر در متن، تقویت پیکره معنایی و محور عمودی و در نهایت افزایش انسجام معنایی کلام می‌شود. نباید فراموش کنیم تغییر از یک صورت به صورت دیگر باید به دلیلی خاص باشد. با هر خروجی که از هنجار صورت می‌گیرد، باید این سوال را مطرح کرد که این خروج به چه دلیل صورت می‌گیرد.» (رشید فالح، ۱۴۰۴: ۹۴) با بررسی و تحلیل سوره مسلمات دریافت می‌شود زمانی که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَ عُيُونٍ وَ فَوَاكِهَ

مِمَّا يَسْتَهْوُونَ كُلُّوْا وَاَشْرَبُوْا هٰنِيْثًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ وَيْلٌ لِّيَوْمِئذٍ لِلْمُكَذِّبِيْنَ كُلُّوْا وَتَمَتَّعُوْا قَلِيْلًا اِنَّكُمْ مُّجْرِمُوْنَ ﴿ (مرسلات/ ۴۱-۴۶) ﴿لَمْ يَهْلِكِ الْاَوَّلِيْنَ ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْاٰخِرِيْنَ﴾ (مرسلات/ ۱۶۷-۱۷) ﴿لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِيْنٍ﴾ (مرسلات/ ۲۰) در حقیقت با عدول از غایب به خطاب شیوه گفتار معمول را کنار گذاشته و بر خلاف معیار عادی با مخاطب سخن گفته است. بنابراین کاربرد التفات از غایب به مخاطب در این سوره نمونه بارز خروج از هنجاری است که اگر چه به ظاهر ساختار کلام را در هم شکسته و وارونه ساخته است، ولی در واقع تقویت پیکره معنایی متن آیات را به دنبال داشته و سبک واژگانی ویژه‌ای را تولید نموده که توازن معنایی کلام را نه تنها از بین نبرده بلکه باید خاطر نشان کرد که اگر خداوند چنین اسلوبی را گزینش نمی‌کرد، گسستگی معنایی را به دنبال داشت و در نتیجه تأثیرپذیری مخاطب از آن به حداقل می‌رسید. ﴿وَيْلٌ لِّيَوْمِئذٍ لِلْمُكَذِّبِيْنَ اِنۡطَلَقُوْا اِلٰی مَا كُنْتُمْ بِهٖ تَكۡذِبُوْنَ اِنۡطَلَقُوْا اِلٰی ظِلِّ ذِيۡ ثَلٰثِ شَعَبٍ﴾ (مرسلات/ ۲۸-۳۰) در آیات یاد شده در حقیقت خداوند زمانی که می‌خواهد مخاطب را از حال و روز متقین و منکران در روز قیامت با خبر سازد با التفات از غایب به مخاطب شیوه گفتار را تغییر داده است.

۳.۶. بسامد کاربست وجه اخباری افعال

از جمله مواردی که در لایه دستوری مورد بررسی قرار می‌گیرد، وجه فعل است به عبارتی توجه سبک‌شناس باید بر این امر معطوف باشد که در متن مورد نظر افعال بیشتر در وجه اخباری آمده یا التزامی و یا امری؟

با بررسی و تحلیل لایه دستوری سوره مبارکه مرسلات برداشت می‌شود بسامد و فراوانی کاربرد فعل‌ها بیشتر در وجه اخباری است؛ زیرا خداوند قصد دارد وقوع صحنه قیامت را با قطعیت و یقین برای مخاطب به تصویر بکشد به گونه‌ای که نتواند اسناد فعل را تکذیب و یا انکار کند؛ به ویژه زمانی که فعل را در آیات ۱۶-۲۷ با همزه استفهام انکاری بیان کرده است و با این روش نه تنها جایی برای انکار نزد مخاطب باقی نمی‌گذارد بلکه اقرار، اعتراف و همراهی مخاطب را نیز به همراه دارد. ﴿لَمْ يَهْلِكِ الْاَوَّلِيْنَ ثُمَّ تَتَّبِعُهُمُ الْاٰخِرِيْنَ كَذٰلِكَ نَفَعُلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ وَيْلٌ لِّيَوْمِئذٍ لِلْمُكَذِّبِيْنَ اَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِيْنٍ فَجَعَلْنٰهُ فِیۡ قَرَارٍ مَّكِيْنٍ اِلٰی قَدَرٍ مَّعْلُوْمٍ فَقَدَرْنَا فَنَعْمُ الْقَادِرُوْنَ وَيْلٌ لِّيَوْمِئذٍ لِلْمُكَذِّبِيْنَ اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا اٰخِيَاءً وَاَمْوَاتًا وَجَعَلْنَا فِیۡهَا رَوَاسِيۡ سَامِيۡخَاتٍ وَاَسْقٰنَاكُمْ مَّاءً فَرَاتًا﴾ (مرسلات/ ۱۶۷-۲۷)

نتیجه‌گیری

ویژگی‌های زبانی قرآن کریم در سطح آوایی، واژگانی و دستوری سبک‌ساز هستند. در سوره مرسلات عناصری مانند: تکرار، سجع، التفات، هم‌آیی، کاربست فعل مجهول، طباق، واج‌آرایی، کاربست ضمیر جمع و ریتم، بسامد وجه اخباری افعال، فراوانی جملات کوتاه،

کاربرد اذاه، بسامد کاربرد قسم از عناصر سبک‌ساز در این سوره هستند که بررسی و تحلیل زبانی سوره مخاطب را به مفهوم و درون‌مایه آیات رهنمون می‌سازد.

در سطح آوایی سوره مرسلات موسیقی سوره بررسی شد؛ ریتم موجود در آیات این سوره با تناسب معانی و محتوای سیاق آیات هماهنگی کاملی دارد و واژگان با توجه به سیاق و محتوایی که هر دسته از آیات دارد، گزینش شده‌اند و نظم بی‌بدیل بین آیات توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند. انسجام و تناسب دقیق حاصل از همنشینی واژگان و ارتباط تنگاتنگ آن‌ها در این سوره به وضوح پیداست.

کلمات و صوت حاصل از آن‌ها در جلب توجه مخاطب و خواننده تأثیر دارد و ارتباط تنگاتنگی با معنی و مفهوم آیات دارد. آهنگ و ایقاع در جان شنونده واکنش برمی‌انگیزد و در مخاطب اثر می‌گذارد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابراهیم، عبدالله عبد الجواد، دون تاریخ، اتجاهات الاسلوبیة فی النقد العربی الحدیث، عمان: وزارة الثقافة.
- البحراوی، سید، ۱۹۹۳م، العروض وایقاع الشعر العربی، القاهرة: الهيئة المصریة العامة للكتاب.
- برکات و همکاران، ۲۰۰۴، اتجاهات نقدیة حدیثیة و معاصره، دمشق: انتشارات دانشگاه دمشق.
- بغدادی، نسیمه، ۲۰۱۷، اسلوبیة التوازی فی القرآن الکریم، کلیة الآداب و اللغة، قسم اللغة العربیة و آدابها، جامعه محمد بوضیاف_المسیلة.
- پالمر، فرانک رابرت، ۱۳۸۱، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه: کورش صفوی، تهران: مرکز، چاپ سوم.
- جرجانی، عبدالقاهر، ۱۳۷۴، اسرار البلاغة، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- حسن، غزاله، ۲۰۰۱، لمن النص الیوم، للکاتب أم للقارئ؟، مجله علامات، عدد ۳۹۲، میج ۱۰، مارس.
- حسنعلیان، سمیه، ۱۳۸۹، بررسی سبک‌شناسانه سوره مریم، دو فصلنامه قرآن شناخت، سال سوم، شماره ۲.
- راستگو، سید محمد، ۱۳۸۲، هنر سخن آرای، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- رافعی، محمد صادق، ۱۴۲۱، اعجاز القرآن و بلاغة النبویة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- رشید فالح، جلیل، ۱۴۰۴، فن الاتفات فی مباحث البلاغیین، مجله آداب المستنصریة، العدد ۹.
- زرکشی، محمدبن بهادر، ۱۴۱۰، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
- ساعدی، لطفی پور کاظم، ۱۳۷۱، درآمدی به سخن‌کاوی، مجله زبان‌شناسی، سال نهم، شماره پیاپی ۱۷.
- السعران، محمود، دون تاریخ، البنية الإیقاعیة فی شعرشوقی، مکتبه بساتین المعرفة لنشر الکتب.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۲۱، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دار الکتب العربی.
- شفیعیکدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۴، موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگه، چاپ ششم.
- شمیس، سیروس، ۱۳۷۳، نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس، چاپ چهاردهم.
- _____، ۱۳۸۱، کلیات سبک‌شناسی، تهران: انتشارات فردوس.
- طباطبایی، سید محمد حسن، ۱۳۸۲، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی، قم: انتشارات اسلامی.
- عبدالرئوف، حسین، ۱۳۹۰، سبک‌شناسی قرآن کریم، ترجمه پرویز آزادی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- عشری زاید، علی، ۲۰۰۶، استدعاء الشخصیات التراثیة فی الشعر العربی المعاصر، القاهرة: دار غریب.
- عباس، حسن، ۱۹۹۸، خصائص الحروف العربیة و معانیها، دمشق: اتحاد الکتب العرب.

- علی پور، مصطفی، ۱۳۷۸، *ساختار زبان شعر امروز*، تهران: انتشارات فردوس.
- عمران پور، محمدرضا، ۱۳۸۲، *جنبه‌های زیباشناختی هماهنگی در شعر معاصر*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۲۵.
- فتوحی، محمود، ۱۳۹۱، *سبک‌شناسی نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها*، تهران: انتشارات سخن.
- فرج، حسام احمد، ۲۰۰۷، *نظریه علم النص*، قاهره: مکتبه الآداب.
- فضل، صلاح، ۱۹۹۸، *علم الاسلوب مبادئه و اجراءاته*، الطبعة الاولى، القاهره: دارالشروق.
- فیاض منش، پرند، ۱۳۷۰، *نگاهی دیگر به موسیقی شعر و پیوند آن با موضوع تخیل و احساسات شاعرانه*، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۴.
- قاسمی، ضیاء، ۱۳۹۲، *سبک‌ادبی از دیدگاه زبان‌شناسان*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- محمد، عزه شبل، ۲۰۰۷، *علم لغة النص*، قاهره: مکتبه الآداب.
- محمدی، حمید، ۱۳۸۹، *آشنایی با علوم قرآنی*، قم: انتشارات دارالعلم.
- وحیدیان کامیار، تقی، ۱۳۹۰، *بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی*، تهران: سمت.
- هاشمی، احمد، ۱۳۸۹، *جواهر البلاغه، شرح حسن عرفان*، قم: نشر بلاغت، چاپ یازدهم.

Bibliography

- The Holy Quran
- Ibrahim, Abdullah Abd al-Jawad, *Down with History, Stylistic Reflections in Criticism of Arabic Hadith*, Oman: Ministry of Culture.
- Al-Bahrawi, Sayyid, 1993, *Al-Arud and the occurrence of Arabic poetry*, Cairo: The Egyptian Egyptian public for the book.
- Barakat et al., 2004, *Hadith and Contemporary Cash Applications*, Damascus: Damascus University Press.
- Baghdadi, Nasima, 2017, *The style of balance in the Holy Quran, all etiquettes and language, part of the Arabic language and etiquette, the society of Muhammad Badziah_ Al-Masilah.*
- Palmer, Frank Robert, 2002, *A New Look at Semantics*, translated by Kouros Safavid, Tehran: Center, third edition.
- Jorjani, Abdul Qahir, 1995, *Secrets of Rhetoric*, translated by Jalil Tajlil, Tehran: University of Tehran.
- Hassan, Ghazaleh, 2001, *For the text of the day, for the books of the present ?*, Journal of Signs, No. 392, vol. 10, March.
- Hassan Alian, Somayeh, 2010, *Stylistic study of Surah Maryam*, two quarterly journals of Quran Shenakht, third year, number 2.
- Raštgoo, Seyed Mohammad, 2003, *The Art of Speech Design*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books.
- Rafi'i, Muhammad Sadegh, 1421, *The Miracle of the Qur'an and the Rhetoric of the Prophet*, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Rashid Faleh, Jalil, 1404, *The Art of Attention in Rhetorical Matters*, Journal of Modern Literature, Number 9.
- Zarkashi, Mohammad Ibn Bahadur, 1410, *Al-Burhan in Quranic Sciences*, Beirut: Dar al-Ma'rifah.

- Saedi, Lotfipour Kazem, 1992, Introduction to Speech Research, Journal of Linguistics, Year 9, Issue 17.
- Al-Saran, Mahmoud, Dun Tarikh, Al-Bani Al-Iqa'iyya in Shari'a Poetry, Maktaba Basatin Al-Ma'rifah for publishing books.
- Siouti, Jalal al-Din, 1421, Atqan in Quranic Sciences, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Shafieikadkani, Mohammad Reza, 2005, Poetry Music, Tehran: Agha Publishing, sixth edition.
- Shamisa, Sirus, 1994, A new look at Badie, Tehran: Ferdows, fourteenth edition.
- 2002, ———, General Stylistics, Tehran: Ferdows Publications.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hassan, 2003, Tafsir Al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi, Qom: Islamic Publications.
- Abdolraouf, Hossein, 2011, Stylistics of the Holy Quran, translated by Parviz Azadi, Tehran: Imam Sadegh University.
- Ashri Zayed, Ali, 2006, The Invocation of Heritage Characters in Contemporary Arabic Poetry, Cairo: Dar Gharib.
- Abbas, Hassan, 1998, Characteristics of Arabic letters and their meanings, Damascus: Union of Arabic Books.
- Alipour, Mostafa, 1999, The Structure of Today's Poetry Language, Tehran: Ferdows Publications.
- Imranpour, Mohammad Reza, 2003, Aesthetic aspects of harmony in contemporary poetry, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, New Volume, No. 25.
- Fotouhi, Mahmoud, 2012, Stylistics of Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan Publications.
- Faraj, Hussam Ahmed, 2007, Theory of Science, Cairo: School of Etiquette.
- Fadl, Salah, 1998, The Science of Design, Its Principles and Performances, First Edition, Cairo: Dar al-Shorouk.
- Fayyaz Manesh, Parand, 1991, Another look at the music of poetry and its connection with the subject of imagination and poetic feelings, Quarterly Journal of Persian Language and Literature Research, No. 4.
- Ghasemi, Zia, 2013, Literary style from the perspective of linguists, Tehran: Amir-kabir Publishing Institute.
- Muhammad, Iza Shibal, 2007, Textbook Science, Cairo: School of Literature.
- Mohammadi, Hamid, 2010, Introduction to Quranic Sciences, Qom: Dar Al-Alam Publications.
- Vahidianeh Kamyar, Taghi, 2011, novel from the perspective of aesthetics, Tehran: Samat.
- Hashemi, Ahmad, 2010, Jawahar al-Balaghah, Shah Hassan Irfan, Qom: Rhetoric publication, eleventh edition